



انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
Afghan Institute for Strategic Studies

میزگرد انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

در رابطه با " بررسی سیاست خارجی روسیه در افغانستان "

۱۶ جدی ۱۳۹۵

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان روز ۱۶ جدی ۱۳۹۵ برابر با ۵ جنوری سال ۲۰۱۷، میزگردی را تحت عنوان " بررسی سیاست روسیه در افغانستان " برگزار کرد. خانم وزمه فروغ، مشاور وزارت دفاع افغانستان و رئیس انستیتوت زنان و صلح به عنوان گرداننده این میزگرد و آقایان سلطان احمد بهین، رئیس دیپارتمنت سوم وزارت خارجه افغانستان، دکتر عمر نثار، رئیس انستیتوت مطالعات افغانستان در مسکو و دکتر سردار رحیمی استاد دانشگاه و معین وزارت معارف افغانستان، سخنرانان این میزگرد بودند. گروهی از کارشناسان مسایل سیاسی، فعالین جامعه مدنی، اساتید دانشگاه، محققین و خبرنگاران از حضار شرکت کننده در این برنامه بودند.

در ابتدا خانم فروغ موضوع میزگرد را با محوریت نگرانی‌ها پیرامون نشست اخیر سه جانبه میان روسیه، چین و پاکستان^۱ و عدم حضور افغانستان در آن شرح داد. خانم فروغ گفت نرمش نشان دادن روسیه در سیاست خارجی اش به جانب طالبان^۲ و برگزاری نشست سه جانبه بدون حضور افغانستان، سبب ساز مطرح شدن این سوال شده است که جایگاه افغانستان در بررسی و مدیریت مسایل بین المللی چگونه است و موقف افغانستان در این رابطه چیست.

آقای بهین به عنوان سخنران اول میزگرد به تشریح مختصر سیاست خارجی افغانستان در قبال روسیه پرداخت. او تاکید کرد از موقف رسمی اداره اش که مسئولیت تنظیم روابط با روسیه، چین و منطقه را برعهده دارد صحبت می کند. به گفته آقای بهین مسئله نشست سه جانبه و نرمش روسیه در برابر طالبان از سوی رسانه‌ها بیشتر از اهمیت واقعی اش بزرگنمایی شده است و باید برای فهم وضعیت باید به اسناد و مراجع اصلی مراجعه کرد. آقای بهین صحبت‌هایش را حول چهار محور (۱) روابط میان افغانستان و روسیه (۲) کمک‌های روسیه به افغانستان (۳) نگرانی‌های روسیه در افغانستان و منطقه (۴) نشست سه جانبه پیگیری کرد:

^۱ به تاریخ ۷ جدی ۱۳۹۵، مقام‌های روسی، چینی و پاکستانی در مسکو نشستی را برای بررسی راه‌های تامین صلح و ثبات در افغانستان بدون حضور افغانستان برگزار کردند. دعوت نشدن افغانستان در این نشست انتقادات زیادی را از سوی افغان ها برانگیخت.

^۲ اخیراً رسانه ها از قول آقای کابلوف سفیر روسیه نقل کردند که مسکو با طالبان برای مقابله با داعش همکاری می کند. روسیه تماس با طالبان را تایید اما

همکاری با این گروه را رد کرد. <http://da.azadi.radiocom.com/۲۷۶۹۱۳۰۲.html>

۱) **روابط میان افغانستان و روسیه:** از آنجا که روسیه یک بازیگر مهم منطقه‌ای و بین‌المللی است روابط افغانستان با روسیه بسیار مهم تلقی می‌شود. بنا بر این افغانستان روابط همه‌جانبه دیپلماتیک با روسیه دارد و در بخش‌های گوناگون با روسیه در تماس است. مکانیزم‌های روابط میان دو کشور در بخش‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی همکاری‌های جانبین را تعریف می‌کند.

الف) **اقتصادی:** کمیسیون اقتصادی تنظیم‌کننده روابط اقتصادی میان دو کشور تا حال سه بار جلسه برگزار کرده است و عهده‌دار ترسیم نقشه راه همکاری‌های اقتصادی دو کشور است.

ب) **سیاسی:** مشورت‌های سیاسی وزارتخانه‌های خارجه دو کشور تمام ابعاد روابط میان دو کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد. در همین راستا دیپارتمنت دوم وزارت خارجه روسیه و دیپارتمنت سوم وزارت خارجه افغانستان بخصوص در مورد مسایل آسیای میانه با روسیه به تبادل نظر می‌پردازند و نقاط اشتراک و افتراق در همکاری‌های میان دو کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ج) **نظامی:** قسمت مهم کمک‌های روسیه به افغانستان را کمک‌های نظامی تشکیل می‌دهد. روسیه سهم مهمی در تربیه نیروهای نظامی افغانستان دارد و در این بخش بورس‌های سالانه به محصلین افغانستان داده می‌شود. از طرف روسیه ده هزار میل کلاشینکوف به افغانستان کمک شده است.

۲) **کمک‌های اقتصادی روسیه به افغانستان:** روسیه طی ۱۶ سال اخیر به افغانستان جز در حالات استثنایی کمک اقتصادی نکرده است و دلیل آن به عدم پرداخت بدهی‌های افغانستان بر می‌باشد. به گفته آقای بهین مسئله پرداخت بدهی‌ها از جانب دولت افغانستان در دستور کار قرار دارد.

۳) **نگرانی‌های روسیه در افغانستان و منطقه:** به گفته آقای بهین روسیه چهار نگرانی عمده در منطقه دارد:

اول) مسئله افراطگرایی مذهبی در آسیای میانه: بر اساس منابع روسی تعداد افراطگرایان سال به سال در منطقه افزایش می‌یابد. چهارهزار نفر از گروه‌های افراطی متعلق به کشورهای منطقه هم اکنون در سوریه مشغول جنگیدن هستند که بازگشت آنها به منطقه برای روسیه نگران‌کننده است.

دوم) ظهور داعش در افغانستان هشدار دهنده است: مقامات روسیه از حضور هزاران نفر از اعضای داعش در افغانستان نگرانند درحالی که مقامات افغانستان حضور نیروهای داعش در این کشور را جدی تلقی نمی‌کنند.

سوم) اعتیاد به مواد مخدر در روسیه: به اساس ارقام و آمار که روس‌ها دارند، سالانه تقریباً برابر به تعداد افغان‌های معتاد، معتادان روس در اثر اعتیاد می‌میرند.

چهارم) سیل مهاجرین: روسیه نگران است که شمار زیادی از تروریست‌ها به شمول تروریست‌های داعش در میان مهاجرین بازگشت‌کننده از پاکستان خود را به مرزهای روسیه برسانند. روس‌ها این نگرانی خود را با پاکستان هم مطرح کرده‌اند.

۴) **نشست سه‌جانبه:** این بار اول نیست که چنین نشست‌هایی صورت گرفته بلکه این نشست سوم است. اما هم در مسکو و هم در پکن سعی کرده‌اند تا این نشست بی‌اهمیت جلوه داده شود. حتی سه روز پیش از برگزاری این نشست، مقامات چین از آن اظهار بی‌اطلاعی کردند. آقای بهین گفت با توجه به تغییرات منطقه‌ای و جهانی مانند بحران سوریه در

خاورمیانه و اوکراین در شرق اروپا، روسیه در پی اعمال فشار بر غرب از طریق روابط منطقه‌ای است. در حالی که روسیه در سوریه پیشروی داشته است و در آمریکا رئیس جمهور جدید سر کار می‌شود، مسکو قصد دارد افکار عمومی را زیر تاثیر ببرد. دو پروژه بزرگ "یک جاده و یک کمربند" چین و پروژه موسوم به "پروژه طلایی پوتین" که مربوط به اتحاد اقتصادی اوراسیا می‌شود چین و روسیه را بیشتر به هم نزدیک کرده است، چنانچه در ملاقات سال گذشته "شی جین پینگ" و "پوتین" برای همکاری با هم توافق کرده اند.

به گفته آقای بهین با به میان آمدن این پروژه‌های کلان، افغانستان به نوبه خود سعی کرده است تا حضور خود را در روابط با چین و روسیه برجسته سازد. افغانستان هم با رهبران چین و روسیه در سطوح عالی صحبت کرده و توافق شده است که در دور بعدی گفتگوها کابل شامل ساخته شود.

خانم فروغ با اشاره به جنگ جاری نیروهای امنیتی افغانستان با طالبان، بار دیگر بر این نگرانی تاکید کرد که روسیه نباید در بررسی مسایل منطقه ای دولت افغانستان را نادیده بگیرد. روسیه نباید به دشمنان مردم افغانستان مشروعیت بدهد. به گفته خانم فروغ، رسول شاهین نماینده طالبان در قطر از توافق سه کشور بر سر قدرت مردمی طالبان خبر داده است. سابقه مذاکرات پنهانی با طالبان تنها محدود به تماس‌های اخیر روسیه با طالبان نمی‌شود بلکه در سال ۲۰۱۰، مایکل سمپل دیپلمات امریکایی بخاطر برقرار کردن روابط مخفی با طالبان از کشور اخراج شد. او همچنان موقف تعلیقی روسیه را در مسئله بیرون کردن نام گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان از لیست سیاه سازمان ملل متحد نگران کننده خواند. عدم تفاهم روسیه با ناتو بخش دیگری از نگرانی دولت افغانستان را شکل می‌دهد. این موضوع را اظهارات اخیر جنرال نیکلسون سرقومندان ناتو که از نزدیکی روسیه با طالبان ابراز نگرانی کرده هم خاطر نشان می‌سازد.^۳ روسیه در مورد حضور داعش در افغانستان ابراز نگرانی می‌کند. حضور داعش در افغانستان از ۹ ولسوالی به سه ولسوالی کاهش یافته است. افغانستان باید در معادلات منطقه‌ای شریک ساخته شود و نباید منافع روسیه بر منافع افغانستان برتری پیدا کند.

آقای دکتر عمر نثار رئیس انستیتوت مطالعات افغانستان در مسکو که از طریق اسکایپ در این میزگرد حضور داشت، در بررسی نگرانی‌های افغانستان و سیاست خارجی روسیه عوامل بحران در افغانستان را به دو بخش خارجی و داخلی تقسیم کرد و در مورد اینکه کدام بخش بر بحران افغانستان تاثیرگذاری بیشتر دارد و نیز بر کدام بخش‌ها توافق وجود ندارد توضیح ارائه کرد. از سوی دیگر آقای نثار برای تحلیل وضعیت موجود، بازیگران خارجی موثر در بحران افغانستان را به دو دسته بازیگران مستقیم و بازیگران غیر مستقیم تقسیم کرد و گفت نقش روسیه در گروه دوم قابل بررسی است.

الف) بازیگران خارجی با دخالت مستقیم: این بازیگران بر مبنای کمک به بازسازی افغانستان و دخالت در جنگ، مداخله مستقیم در بحران افغانستان دارند.

^۳ تشویش مقامات افغانستان و آمریکا از مناسبات روسیه و طالبان،

ب) **بازیگران خارجی با دخالت غیر مستقیم:** روسیه از جمله بازیگران خارجی موثر در بحران افغانستان است که به طور غیر مستقیم در افغانستان نقش دارد. سیاست خارجی روسیه از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۴ در دو بعد همکاری روسیه با کشورهای غربی و ناتو و همکاری روسیه با کشورهای منطقه قابل بررسی است:

۱) همکاری روسیه با غرب و ناتو: در زمینه توافقات ترانزیتی و نظایر آن، روسیه با غرب و ناتو به طور بی سابقه همکاری کرده است. تا سال ۲۰۱۴، افغانستان نقطه‌ای بوده که روسیه و غرب تقریباً در موردش اختلاف نظر نداشته اند. اما در مجموع بی اعتمادی میان دو جانب مانع گسترش این همکاری‌ها در سطح استراتژیک شده است. روسیه انتظار داشت که توسط غربی‌ها مشکلات امنیتی را در افغانستان برطرف کند و همچنان امیدوار بود که در بدل همکاری روسیه در مسئله افغانستان، غرب از سایر نقاط جهان در برابر روسیه عقب نشینی کند. همکاری غرب با روسیه بیشتر نمایشی و تاکتیکی بوده است تا کشورهای منطقه را زیر تاثیر قرار داده و نشان دهد ائتلاف بزرگ بین المللی در مورد افغانستان وجود دارد. همین موضوع باعث شد که کشورهای منطقه به شمول پاکستان و ایران به امضای سند همکاری های استراتژیک میان امریکا و افغانستان زیاد اعتراض نکنند.

۲) همکاری روسیه با کشورهای منطقه: همکاری روسیه با کشورهای منطقه به شمول ایران و کشورهای آسیای میانه استراتژیک است. روسیه با استفاده از سازمان امنیت جمعی، در پی تامین امنیت منطقه است.

تغییر در سیاست خارجی روسیه پس از سال ۲۰۱۴: تغییر سیاست خارجی روسیه پس از سال ۲۰۱۴، در اثر یک سلسله عوامل داخلی و خارجی صورت گرفت:

- در افغانستان: همزمان با تشکیل حکومت وحدت ملی، اوضاع امنیتی در شمال افغانستان رو به وخامت گذاشت و حکومت وحدت ملی اراده و عزم جدی برای مبارزه با تروریسم نشان نداده است. مخالفان دولت افغانستان هم تا جایی ثابت کردند که اهداف شان از افغانستان بیرون نمی‌رود. این درحالی است که تهدید حضور داعش در افغانستان نیز برای روسیه یک تهدید جدی به شمار می‌رود. روسیه به این نتیجه رسیده است که سطح اعتمادش به افغانستان کاهش یافته است. نگرانی برای تامین امنیت آسیای میانه، روسیه را وادار به چرخش در سیاست خارجی اش در قبال افغانستان کرده است.
- در عرصه بین المللی: بحران در سوریه و اوکراین، تنش میان ایالات متحده امریکا و روسیه را تشدید کرد. این تنش‌ها بعد اول همکاری‌ها میان غرب و روسیه را زیر سوال برد و منجر به تغییر سیاست روسیه در عرصه بین المللی شد. تشدید تنش‌ها میان مسکو و واشنگتن باعث شد تا روسیه به چین که حامی استراتژیک پاکستان است، نزدیک تر شود.

خانم فروغ در مقدمه سخنرانی آقای دکتر سردار رحیمی، سخنران آخر میزگرد، این سوالات را مطرح کرد: نقش ایالات متحده امریکا در سیاست خارجی روسیه چگونه قابل ارزیابی است و موقف دونالد ترامپ رئیس جمهور جدید ایالات متحده امریکا در برابر روسیه چگونه خواهد بود؟ عدم روشن بودن موقف امریکا در برابر روسیه هنوز حاکی از تنش جنگ سرد میان دو طرف است. جایگاه افغانستان در این میان چگونه تعریف می شود؟

آقای رحیمی گفت لازمه بحث در مورد افغانستان و سیاست خارجی روسیه، پرداختن به روابط بین المللی بخصوص رابطه امریکا، روسیه و چین است. اساساً شکل‌گیری افغانستان معاصر از دوره عبدالرحمان به بعد، ناشی از موازنه قوا در اروپا بوده است که در طول تاریخ به انحای گوناگون ادامه یافته است. در مورد سیاست خارجی آقای ترامپ، الگوی تاریخی مشابهی در دوران آقای نیکسون رئیس جمهور اسبق ایالات متحده امریکا وجود دارد. هر دو رئیس جمهور از جناح جمهوری خواهان برخاستند. آقای نیکسون به جنگ

ویتنام پایان داد، روابط با چین را بهبود بخشید و توانست میان چین و روسیه شکاف ایجاد کند. اکنون تفکر استراتژیک امریکا این است که روسیه تهدید اقتصادی و حتی نظامی جدی برای واشنگتن به حساب نمی آید و فشار بر چین نقطه ثقل سیاست خارجی امریکا را شکل میدهد. اکنون مشارکت روسیه در مدیریت مسایل بین المللی مورد توافق ایالات متحده امریکا قرار دارد که از طریق آن امریکا می تواند تعامل نزدیک روسیه و چین را مختل کند.

به گفته آقای رحیمی موقف آقای ترامپ مبتنی بر ترکیب دو مکتب همیلتونی و جسکونی است در ترسیم سیاست خارجی امریکا در طول تاریخ نقش عمده داشته است. الکساندر همیلتون، نخستین وزیر خزانه داری و از بنیانگذاران ایالات متحده امریکا بود که از اقتصاد با نشاط ملی حمایت می کرد و اندرو جکسون هفتمین رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، طرفدار امنیت فیزیکی مردم امریکا بود. امنیت ایالات متحده امریکا الزاما مثل گذشته معطوف بازیگران کوچک مانند کشورهای خاورمیانه و افغانستان نیست. بلکه اکنون امریکا متوجه بازیگران کلان بین المللی است تا منافع خود را در سطح جهان تامین کند. امریکا عملا توانسته است تا در مسایل بین المللی مانند بحران خاورمیانه و مسئله افغانستان روسیه را با خود همکار داشته باشد.

روسیه شریک امریکا در مدیریت مسایل بین المللی: امریکا می خواهد پای روسیه را در مسایل بین المللی باز کند. روسیه پس از جنگ سرد چهار مرحله را تجربه کرده است. در مرحله اول، در دوره غرب گرایی آقای یلتسین، روسیه واقعگرایی سیاسی را در پیش گرفت و آنرا تثبیت کرد. در دوره بعدی روسیه به واقعگرایی اقتصادی پرداخت تا اینکه در دوره ریاست جمهوری مدودوف، واقعگرایی فرهنگی مد نظر قرار گرفت. با روی کار آمدن دوباره آقای پوتین، روسیه بار دیگر واقعگرایی ژئوپولیتیک را مد نظر قرار داده است. روسیه در صدد است تا نفوذ خود را در آسیای میانه و در شرق اروپا گسترش دهد. از این منظر، ایالات متحده امریکا با سیاست خارجی روسیه مخالفت جدی ندارد و موافق است که برخی از مسئولیت های بین المللی به روسیه واگذار شود تا ایالات متحده امریکا برای بازسازی خود فرصت پیدا کند.

از نظر روسیه دولت افغانستان ماهیت امریکایی دارد: روسیه فکر می کند دولت افغانستان ماهیت امریکایی دارد و این برای روس ها قابل قبول نیست. برخی از حلقات دیپلماتیک مانند لابی گران پاکستان در طول دو سال گذشته تلاش کرده اند تا نشان دهند که دولت افغانستان یک دولت امریکایی و بخشی از پروژه داعش در منطقه ست.

جایگاه افغانستان در تقابل روسیه و ایالات متحده امریکا: با توجه به تعاملات جاری میان روسیه، ایالات متحده امریکا و چین، افغانستان تلاش عمده ای برای هماهنگ سازی روابط بین المللی اش انجام نداده است. وضعیت فعلی برای افغانستان هم تهدید و هم فرصت است.

در چند سال گذشته افغانستان تلاش هایی برای نزدیکی با چین انجام داده است. اما شرایط فعلی نشان می دهد که جهت گیری افغانستان حداقل طی دهه آینده ثمر بخش نخواهد بود. به نظر امریکا هزینه واشنگتن در افغانستان بیشتر از فایده بوده است و بنا بر این امریکا حاضر به سرمایه گذاری بیشتر در افغانستان نیست.

اما از سوی دیگر همکاری روسیه و امریکا بر سر مشارکت در مدیریت مسایل بین المللی می تواند زمینه اعتماد سازی با روسیه باشد. حکومت افغانستان عملا خلاف جریان حرکت کرده است. ایجاد نگاه مثبت در راستای تعاملات بین المللی چالش عمده پیش روی دولت افغانستان است. برای افغانستان دو حالت قابل تصور است: (۱) دولت افغانستان می تواند تمثیل کننده دولت-ملتی باشد که قدرت برقراری توازن قوا را به نفع منافع افغانستان در سطح بین المللی دارد. (۲) اگر افغانستان نتواند تمثیل کننده تامین توازن قوا

باشد، مانند گذشته تمثيل کننده دولت ناکام رو به تجزيه شدن خواهد بود و بخش بزرگی از منافع اقتصادی و امنیتی خود را از دست خواهد داد.

میزگرد با جلسه پرسش و پاسخ ادامه یافت و برخی از حضار نگرانی های خود را با سخنرانان در میان گذاشتند.

- افغانستان سياست تدوين شده توسط پارلمان اين کشور ندارد و سفرای افغانستان به استثنای چند نفر، توانایی ایفای وظیفه ندارند.
- روسیه در صدد شکست دادن امریکا در منطقه است و از هر گروهی به شمول داعش برای عقب راندن امریکا استفاده خواهد کرد.
- کشورهای منطقه به شمول روسیه، طالبان را یک معضل داخلی افغانستان می دانند اما داعش یک معضل بین المللی تلقی می شود که برای مقابله با آن استفاده از هر وسیله توجیه می شود.
- گروه طالبان با پشتیبانی پاکستان پرورش دهنده تمام گروه های تروریستی منطقه به شمول جنبش اسلامی ازبکستان و دیگر گروه های تهدید کننده امنیت روسیه است.
- اکنون آسیای میانه عمق استراتژیک پاکستان است و پاکستان در بهره برداری از گروه های تروریستی، افغانستان را منعیث گذرگاه استفاده می کند.
- دولت افغانستان در جنگ علیه تروریسم قاطعانه عمل می کند و در این راستا نیروهای امنیتی افغانستان تلفات زیادی را متقبل شده اند.
- داعش پروژه ای برای قیاحت زدایی و مشروعیت دادن به طالبان است.
- ثبات در افغانستان، ثبات در منطقه است، اگر افغانستان بی ثبات شود، کشورهای منطقه هم ثبات نخواهند داشت.
- ارزیابی وزارت خارجه افغانستان از وضعیت خوشبینانه است. روسیه بودجه کلانی را برای حمایت از طالبان در مقابل داعش در نظر گرفته است.
- افغانستان برای روسیه، چین و ایالات متحده امریکا بسیار مهم است. موقعیت ژئوپولیتیک افغانستان برای امریکا مهم است، زیرا می تواند بر قدرت های هسته ای منطقه به شمول ایران نظارت داشته باشد. منابع طبیعی افغانستان به شمول آب هایش عامل مهم مناقشه به شمار می آید.
- طالبان و داعش افغانستان با یکدیگر فرقی ندارند. تنها لباس تبدیل آنها شده است. نیروی نو از افراطیت افغانی به نام داعش وجود ندارد. طالبان و داعش جدایی ناپذیر اند، همانطور که پاکستان از تروریسم جدایی ناپذیر است.

در پایان سخنرانان میزگرد، جمع بندی خود را در رابطه با نگرانی های مطرح شده توسط حاضر بیان کردند:

دیپلماسی پروسه زمانبر است: آقای بهین گفت دولت افغانستان سياست خارجی مشخص دارد و نتایجی هم به دست آورده است. دولت افغانستان موفق شده است تا در میزان تجاری با پاکستان ۶۰۰ میلیون دالر کاهش بیاورد و آنرا را به سمت آسیای میانه سوق دهد. اخیرا افغانستان با ازبکستان توافقات مثبت داشته است. اقدامات دیپلماتیک را نمی توان مانند پروژه کوتاه مدت در نظر گرفت و منتظر نتایج آن شد. موقف روسیه طرفداری از طالبان نیست. سخنگوی وزارت خارجه روسیه سال گذشته به صراحت اعلام کرد که مسکو از طالبان حمایت نمی کند اما صلح در افغانستان بدون در نظر گرفتن طالبان ممکن نیست. موقف دولت افغانستان نیز همین است و بنا برآن نقش مهم روسیه را در نظر می گیرد.

افغانستان نتوانسته است در روابط با روسیه اعتماد سازی کند: آقای نثار گفت در سال های اخیر برای روسیه روندهای منطقه ای مهم بوده است و بنا براین دخالت مستقیم در افغانستان نداشته است. روسیه تا سال ۲۰۱۱ علاقمندی اقتصادی به افغانستان داشت اما افغانستان نتوانسته است روسیه را در مناسبات اقتصادی خود شریک کند. در مورد حر فهای اخیر آقای کابلوف (فرستاه ویژه رییس جمهور روسیه درافغانستان) در مورد نزدیکی مسکو با طالبان مبالغه می شود. یکی از دلایل تغییر سیاست روسیه در قبال افغانستان مسئله گسترش نفوذ روسیه است که چگونه مسکو بتواند با هزینه کم نفوذ روسیه را گسترش دهد. اظهارات کابلوف کمتر متوجه افغانستان و بیشتر متوجه رقابای بین المللی مسکو بخصوص ایالات متحده امریکا می شود. تماس ها بین روسیه و طالبان در سطح پایین است و منطق روسیه تقاضای ایجاد رابطه نزدیک با طالبان را نمی پذیرد. ظاهراً دیگران از طریق افغان ها به این مسئله واکنش نشان می دهند. برای افغانستان مفید نیست که عکس العمل شدید نشان دهد چرا که نتیجه چرخش سیاست خارجی روسیه در مسئله افغانستان هنوز معلوم نیست. مشکل این است که میان افغانستان و روسیه اعتماد لازم بوجود نیامده است.

افغانستان نیاز به لابی گری موثر و تقویت دولت دارد: آقای رحیمی گفت پاکستانی ها در برابر جامعه جهانی اسناد کافی نشان داده اند که قربانی تروریسم بوده اند و بیشترین تلفات را متحمل شده اند. پاکستان برای پیشبرد ادعای خود لابی گری قوی دارد. مهم این است که افغانستان بتواند برای تعریف دوست و دشمن لابی گری موثر کند. این ادعا که ثبات افغانستان، ثبات منطقه است، ادعایی ساده است. اگر نگاه دقیق تری کنیم می بینیم که در برنامه های کلان منطقه ای مانند جاده ابریشم، افغانستان دور زده شده است. برای کشورهای منطقه که فاقد دولت های دیموکراتیک هستند، امنیت مردمی اهمیت ندارد و تامین حاکمیت برایشان مهم تر است، بنا براین ما نمی توانیم توقع داشته باشیم که کشورهای منطقه ثبات خودشان و ثبات افغانستان را یکی بدانند. امنیت افغانستان به خودش بستگی دارد و اینکه چگونه می تواند میان منابع بین المللی نقاط اشتراک ایجاد کند. در این راستا تقویت دولت افغانستان بسیار ضروری است، اما مکانیزم های تقویت دولت به درستی تطبیق نمی شود. تکیه افغانستان به یکی از قدرت های بین المللی هم اشتباه است و منجر به باخت افغانستان خواهد شد.